

بقلم : آقای : م . اورنگ

## نگاهی به ترجمه گاتاها

« بحامه پورداود »

در شماره (۸) مجلهٔ پرارزش ارمغان ، از تیکه ( ۱ ) ها ( ۲۸ ) گاتاها سخن گفتیم . اینک در اینجا از تیکهٔ دوم آن سخن میرانیم و داوری را به هوش و دانش خوانندگان ارجمند واگذار میکنیم .

آقای پورداود ترجمه این تیکه را چنین نوشته‌اند « منم آنکسیکه برای خدمت شما خواهم ایستاد ای مزدا اهورا وای وهومن بواسطه راستی شکوه هر دو جهان بمن ارزانی دارید از آن شکوه مادی و معنوی که دینداران را خرمی و شادمانی بخشد » .

این ترجمه چنین میرساند که زرتشت با اهورا مزدا وهومن گفت و گومیکند و بآن دومیگوید : من هستم که برای خدمت شما خواهم ایستاد . پس از آمادگی خود برای خدمتگذاری ، از آنان شکوه هر دو جهان را میخواهد .

این ترجمه بگمان من رسائی ندارد و آنجوریکه باید درست نمیشد . زیرا نخست اینکه برخی از این معنی‌ها با فرهنگ اوستا که اکنون من آنرا در دست دارم جور نمیآید . دوم اینکه اهورا مزدا و وهومن را نزد هم گذاشتن و خود را برای خدمت آن دو آماده ساختن و از آنان شکوه هر دو جهان را خواستار شدن ، با سنجش خرد و دانش سازگار نمیشد ، چه که وهومن کسی نیست که در پهلوی اهورامزدا یا در برابر او جای گیرد و بدرگاه اوهم مانند اهورامزدا ستایش و نیایش بجا آید . یعنی اهورامزدا یار و همکاری بنام وهومن ندارد که زرتشت خود را برای خدمت او آماده سازد . و وهومن بمعنی نیک اندیشی و نمودار اندیشه نیک است که در خود آدم میباشد .

اهورامزدا و وهومن را پهلوی هم یاد کردن و خدمت آن دو ایستادن، برای اهورامزدا امیاز و همتا پنداشتن و یار و همکار انگاشتن است که با دین زرتشت و همچنین با هیچکدام از دینهای دیگر جور در نمیآید.

من همه واژه های این تیکه را باریشه و معنی هر یک از آنها، در فرهنگ اوستا بدست آورده ام و با اندیشه خودم ترجمه کرده ام.

ترجمه‌ئی که برابر معنی واژه ها باندیشه من میرسد بدینگونه است « بشود که با نیک اندیشی بتو نزدیک شوم ای اهورا مزدا . بمن ارزانی بداری دو جهان مادی و مینوئی را. از ارامستی ارزانی بداری سودهائی را که در درخشندگی شادی بخشد»

من گمان میکنم این ترجمه بخوبی رسا و روشن است . این تیکه از کاتاها دارای سه بند سرود است و نتیجه معنی هر یک بند آن بدینسان میشود .

در ( بند نخست ) میگوید : ای اهورا مزدا بشود که من با نیک اندیشی بتو نزدیک شوم . این تیکه رویهم رفته دنباله تیکه پیش است . در آنجا دیدیم که زرتشت دستها را بدرگاه خدا بلند کرده آرزوی شادمانی و خرد و اندیشه نیک میکند و در پایان سرود میگوید : بمن خرد و نیک اندیشی ارزانی بدار تا جهان و روان را آرامش بخشم .

در اینجا همان سرود را دنبال میکند و میافزاید که من با آن نیک اندیشی بتو نزدیک شوم . این نیایش و آرزو بسیار خوب و بجاست . زیرا نزدیک شدن بخدا بسته باندیشه نیک است .

در ( بند دوم ) سرود، آرزوی بهره‌مندی از دو جهان مادی و مینوئی را میکند و باز هم در دنبال سرود نیک اندیشی میگوید :

ای اهورا بمن ارزانی بدار یا ارزانی بداری در جهان مادی و مینوئی را . جهان مادی یا آخشیحی همین جهان آب و خاک و بر خورداری از بخشایشهای زندگانی

خوش و خرم است .

جهان مینوئی هم جهان اندیشه و روان است . زرتشت آرزو میکند از این هر دو بهره مند شود .

یعنی هم دارای زندگانی خوش و خرم گردد و هم دارای خرد و اندیشه رسا و جان و روان آرام باشد . خوب میدانیم نتیجه زندگانی خوش و خرم که خوشبختی نامیده میشود همین است . یعنی خوشبختی در این است که آدم از بخشش فرهنگ و دانش و خرد و اندیشه رسا و جان و روان آرام برخوردار باشد و از راه زندگانی شادی بخش هم جهان را باخوشی بگذرانند . چون این هر دو بدست آید آدم خوشبخت میشود و جهان را با نیکی و نام نیک میگذرانند .

در سومین بند سرود ، آرزوی آنچه سودهایی را میکند که از راه راستی و درستی باشد و در خیر و برکت و شکوه و درخشندگی ، برای آدم شادی بیفزاید . این بند از سرود هم میرساند که سود و دارائی هنگامی ستوده و شادی بخش است که از راه راستی و درستی بدست آید ، یعنی از پرتو کار و کوشش که همراه با راستی و درستی باشد فراهم گردد .

اینچنین سودها و دارائیها خود بخود دارای خیر و برکت و شکوه و درخشندگی است و برای دارنده اش شادی میآورد و مایه خوش و خرمی میگردد و آدم را به سپاسگذاری در برابر آفریننده جهان وامیدارد .

درباره فلسفه و نتیجه این سرود که بهترین راهنما برای مردم است بیش از این میتوانیم سخن بگوئیم ولی چون خوب روشن و آشکار است ، از این رو سخن را کوتاه میکنیم و به معنی واژه ها میپردازیم .

معنی واژه های این سه بند سرود چنانکه از فرهنگ اوستا برمیآید بدینگونه

است : ۱- Ye ( که ، بشود که ) ۲- وا Vav ( تو ) ۳- مزدا اهورا ( ای اهورا

- مزدا ( ۴- پئیرجسائی (نزدیک شوم) ۵- وهومننگها **Vohu-manang , Ha** (بانیک اندیشی) ۶- مئی یوو (بمن ، برای من) ۷- داووئی (ارزانی بداری ، بیخشی) ۸- اه واو **Ahvav** (دوجهان را) ۹- است وتس **Astvatas** (جهان مادی) ۱۰- چا (و) ۱۱- هیت چا **Hyat, tcha** (و آنکه، و آن دیگری که) ۱۲- مننگ هو **Manang, Hu** (مینوئی) ۱۳- آپتا **Ayapta** (سودهارا) ۱۴- اشات هپی (از راه راستی ودرستی) ۱۵- یائیش (که) ۱۶- رپن تو **Rapento** (شادی بخشد) ۱۷- دئی دیت (ارزانی بداری ، بیخشی) ۱۸- خوانهره **Khvathre** (در درخشندگی ، در شکوه وخرمی)

اینها معنی های کوتاهی بود از همه واژه های سه بند سرودتیکه (۲) ها (۲۸).  
اگر بایسته باشد در باره ریشه و معنی هر یک از آنها بانمایاندن نشانی های دستوری،  
گفت و گوی بیشتری خواهم کرد .

( دریغا )

ایام شباب با هوس بودم جفت

نه دیده دید بود ونه گوش شنفت

در خواب غرور صرف شد نقد حیات

بیدار کنون شدم که می باید خفت

- خلیل بیگ لاهیجی -